

فردریک فروبل مؤسس اولین کودکان گستان

در دنیای امروز تربیت کودک بیش از هر زمانی مورد توجه مریبان قرار دارد . کودکان گستان که محیط خاص تربیت کودکان است امروز یک واحد مهم و اساسی تعلیم و تربیت هر کشور را تشکیل میدهد . در سابق نه تا این اندازه کودک مورد توجه بود و نه تعلیم و تربیت او تا این درجه حائز اهمیت بود و اگر هم گسانی از دانشمندان و مریبان اهمیت دوره کودکی را یاد آوری کرده باشند نظر ایشان با نظر دانشمندان تربیتی امروز تفاوت فاحشی دارد .

اولین کسیکه با توجه با اهمیت دوره کودکی در زندگی افراد همت بتأسیس کودکان گستان گماشت فروبل آلمانی است که زندگی او نمونه عشق پرورش نوع انسان و فداکاری و از خود گذشتگی در این راه است . فروبل چون خود در دوره کودکی بواسطه نداشتن مادر از دلسوزی یک مربی مهربان محروم ماند همیشه متوجه این محرومیت بزرگ خود بود و با فداکاری که از خود نشان داد سعی داشت این محرومیت را از پیش پای کودکان دیگر بردارد و محیطی برای پرورش ایشان فراهم کند که هر طفلی در بهترین موقع مناسب بنا باقتضای استعداد و فطرت و طبیعت خود آنطور که لازم است رشد کند و پایه مراحل تکامل و پرورش آتی او بنحو مطلوبی گذاشته شود .

فردریک ویلهلم اگوست فروبل (۱) در ابروایسباخ (۲) که قریه ای از تورینگین (۳) میباشد در ۲۱ آوریل ۱۷۸۳ متولد شد . و در ۲۱ جون ۱۸۵۲ در مارینتال هال (۴) در گذشت . مادر فروبل هنگامیکه او کودکی بیش نبود از دنیا رفت . پدر او با

۱- Friedrich Wilhelm August Fuobel

۲- Oberweissboch

۳- Thuringian Foest

۴- Moriental hall

بانوی دیگری ازدواج کرد. فروبل از این بانو که نامادری او بود زیاد نامهربانی دید و ناچار بترك خانه پدری خود شد و نزد دانی خود به اشتات ایلم (۱) رفت در همین محل در يك آموزشگاه روستائی بتحصیل پرداخت. فروبل از همان کودکی غالباً متفکر بود و توجهی بگفته‌های آموزگار نداشت از اینجهت در نظر اولیاء آموزشگاه کودک کندذهنی می‌آمد. بیش از دو سال فروبل در این آموزشگاه نماند. بعد مدرسه را ترك کرده بیشتر بمشاهده طبیعت پرداخت و بتفکرات شخصی خود ادامه داد. در اثر همین نزدیکی با طبیعت و اندیشه‌های عمیق بدون اینکه از اصول علمی باخبر باشد بوحدت نظام و قوانین طبیعت پی برد.

هنگامیکه بسن هفده سالگی رسید برای پی بردن بزموز طبیعت علاقه زیادی بمعلوم طبیعی پیدا کرد. برادر فروبل که تا این تاریخ بطور منظم تحصیل کرده بود در این موقع در دانشگاه بود. فروبل بسیار کوشید تا توانست خود را بدانشگاه رسانیده از سخنرانیهای دانشگاهی درباره علوم طبیعی استفاده نماید. ولی گرفتار مضیقه مالی شدیدی بود بطوریکه از عهده پرداخت شهریه بر نیامد و در اثر همین شلینگ (در حدود ۳۲۰ ریال) قرضیکه بصندوق دانشگاه داشت و قادر بپرداخت آن نبود نه هفته زندانی شد. پس از پایان دوره زندان با وضعی تأثر آور بناچار بمحل اولی خود مراجعت کرد و از آنجا برای تأمین معاش خود بمزرعه رفت و بکار کشاورزی پرداخت. در این هنگام پدرش مریض شد و ناچار بیالین پدر شتافت. پدر فروبل در سال ۱۸۰۲ فوت کرد. فروبل در اینموقع ۲۰ ساله بود و با ازدست دادن پدر خود بیکه و تنها ماند و جز بخود بدیگری نمیتوانست متکی باشد. پس از فوت پدر دست بکارهای مختلفی از قبیل محاسبی - نظارت و منشیگری و غیره زد و تمام اینها را برای کسب روزی خود دنبال میکرد و هنوز مطابق ذوق و میل خود نتوانسته بود کاری پیدا کند. سه سال و نیم باین ترتیب گذرانند

و با مشکلات زندگی در نبرد بود - با خود میانديشيد و با يك عشق شديد بخدمت ابناء بشر در جستجوی کار مناسب بود، تا در فرانگفورت هنگامیکه مشغول تحصیل معماری بود بر حسب تصادف بنا مدیر یکی از آموزشگاههای نمونه پستالتزی آشنا گشت. آشنائی آنها روز بروز گرمتر شد تا بدوستی و صمیمیت منجر شد. مدیر آموزشگاه فروبل را مستعد و شایسته امر تعلیم و تربیت دید و او را تشویق کرد از معماری دست کشیده و در یکی از آموزشگاههای نمونه بکار تدریس بپردازد. فروبل میگوید « هنگامیکه برای نخستین بار خود را در برابر پنجاه كودك دیدم در خود يك مسرت و رضایت و علاقه شدیدی احساس کردم. بالاخره با آنچه مدتها در پی آن میگذشتم رسیدم. همانطور که ماهی در آب راحت و خوش وزنده است منم در این کار جدید بی اندازه شادمان و راحتم ».

دو سال فروبل در این آموزشگاه با موفقیت کار کرد. در ضمن عمل متوجه شد که اطلاعات او برای اینکار مهم آنطور که لازم است کافی نیست. لذا از این کار کناره گیری کرد و بفکر تکمیل معلومات و تدارك بهتر برای آموزگاری افتاد. و هم خود را بتربیت سه كودك که از يك خانواده بودند پرداخت. در تربیت این سه كودك نیز فروبل نتوانست خود را راضی کند پس از جلب رضایت اولیاء آنها ایشان را به بیوردن برد و در آنجا يك قسمت از بنگاه معروف پستالتزی را تشکیل داد. با این ترتیب از سال ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۹ فروبل مستقیماً از منبع اصلی افکار پستالتزی استفاده کرد و خود را برای تکمیل نظریات آن دانشمند بزرگ آماده نمود.

فروبل کوشید تا از تجارب پستالتزی در پرورش كودكان اصولی بدست بیاورد. با استعداد و علاقه ای که بامر تربیت كودك داشت نه تنها به نظریات و افکار استاد آشنا شد بلکه در رفع نواقص و تکمیل آنچه او شروع کرده بود و نا تمام مانده بود همت گماشت و توفیق حاصل کرد. از غور و بررسی طبیعت و فطرت انسانی تا اندازه زیادی با اصول پرورش آشنا شد. با تمام مطالعات شخصی و تجاری که

مدام تحصیل میکرد باز هم بواسطه اهمیت که برای کار تدریس قائل بود خود را مربی واجد الشرائطی نمیدانست و مایل بود تحصیلات عالی خود را که یازده سال پیش با آن وضع تاسف آور متوقف مانده بود دنبال نماید. لذا در سال ۱۸۱۱ در گتینگن (۱) مجدداً به تحصیل پرداخت و سپس از آنجا به برلین رفت. در دفتر خاطرات خود مینویسد: «بالاخره توفیق پیدا کردم در دانشگاهی که مدتها آرزو مند تحصیل در آن بودم به تحصیل پردازم. در آنجا باین حقیقت پی بردم که تمام خصوصیات انسانی در شخصیت او متمرکز است. یک بار دیگر مجال پیدا کردم تمام افکار خود را متوجه مسائل مربوط با آموزش و پرورش کنم». این بار نیز تحصیلات دانشگاهی فروبل بواسطه احضار برای خدمت نظام دوچار وقفه شد.

در سال ۱۸۱۳ بمیدان جنگ رفت ولی هیچوقت فکر اینکه خود را برای معلمی آماده نماید و مربی و آموزگار شایسته‌ای شود او را ترك نگفت. در ماه مه ۱۸۱۴ بواسطه پایان جنگ و امضاء پیمان صلح در فنتنبلو (۲) فروبل به برلین بازگشت و زیر نظر پروفیسور وایس (۳) در موزه معدن شناسی شروع بکار کرد. در ایامی که باینکار مشغول بود چنان مینمود که از کار کناره گیری کرده است ولی در حقیقت اگر عملات تدریس نمیکرد باطناً باطلاعات و تجارب خود میافزود و خود را بهتر آماده و مهیا میکرد. در این مدت فروبل با ارتباط کامل بین مظاهر طبیعت و انسان پی برد. خود او می نویسد: «در اینجا من در مرکز زندگی قرار گرفتم. افکار داخلی و مشاهدات خارجی، زندگی، طبیعت، ریاضیات... همه بصورت اشکال متبلوریکه در جلوی من قرار داشت در آمد. چشمان باطن من بیکجهان حقیقت آثار طبیعت باز شد.» - در جای دیگر میگوید: «سنگها در دست من بصورت اشکال زباننداری در آمد. جهان اجسام با من از عالم انسانی و قوانین

۱- Gottingen

۲- Fontainbleau

۳- Professor weiss

خلقت براز و نیاز پرداخت و بایک زبان آرام ولی محسوس و واقعی حقائق زندگی بشری را بمن تعلیم داد . «

فروبل در میدان جنگ با دو نفر بنام میدندرف (۱) ولانکت هال (۲) که ۱۰ سال از او جوانتر بودند آشنا شد . صمیمیت و یگانگی این دو دوست با فروبل روز بروز زیادتیر شد و اثر آن در زندگی فروبل روز بروز محسوستر میگردید . این دو نفر همیشه آماده اجرا و عملی کردن نظریات فروبل بودند . مال و جان خود را در این راه گذاشتند و منتهای فداکاری را از خود نشان دادند . فروبل نخست در نظر گرفته بود که آموزگار علوم طبیعی شود ولی بتدریج فکر او از این منظور متوجه هدف بزرگتری شد لاینکت تال و میدندرف در برلین بودند و با فروبل تماس داشتند . فروبل تعالیم خود را درباره پرورش نوین بآنها میداد و نتیجه کار آنها را مورد بررسی قرار میداد . در سال ۱۸۱۶ بفکر آن افتاد که معلومات خود را راجع بتعلیم و تربیت جدید بکار بندد و مورد عمل قرار دهد . فروبل برادری روحانی داشت که بزندان فرانسویان افتاد و در آنجا مبتلا به تب شد و سه سال پیش از این تاریخ در گذشته بود و چند طفل یتیم از خود باقی گذاشت . فروبل تصمیم گرفت به گریشهایم که دهکده ای از ایلم بود و برادر زاده های یتیم او در آنجا بودند برود و با تعلیم برادر زاده های خود روش خود را مورد عمل و استفاده قرار دهد . دو نفر برادر زاده یتیم دیگر هم داشت که آنها را نیز فرا خواند و با این اطفال آموزشگاهی دائر کرد و بدوستان خود نیز اطلاع داد و از آنها دعوت کرد که او را در اینکار یاری نمایند میدندرف فوراً آمد و لاینکت تال نیز پس از يك یاد و سال دیگر موقعیکه آموزشگاه به کیلمو دهکده دیگری از تورینگن منتقل شده بود بایشان ملحق گردید . این دهکده بعدها بصورت کعبه روش نوین در تعلیم و تربیت شناخته شد .

در کیلمو فروبل - لاینکت تال - میدندرف و یکی از بستگان میدندرف بنام

باروپ گروه فرهنگی تشکیل دادند - همگی در آنجا ازدواج کردند و بامعاضدت یکدیگر شروع بکار نمودند .

همکاری و پشتکار ایشان باعث شد که آموزشگاه رونق پیدا کند - تعداد کودکان روز بروز زیادتر شود و آوازه این آموزشگاه که بسبب جدید اداره میشد همه جا به پیچد . ولی بانتمام اینها وضع آموزگاران و بیشتر از کودکان از لحاظ مادی خوب نبود و غالباً کودکان برای تهیه آذوقه بچنگل و مزارع میرفتند و برای روزی خود تلاش میکردند . فروبل با ده سال اقامت در کیلمو اثر بزرگ خود را بنام « آموزش و پرورش انسانی » در سال ۱۸۲۶ منتشر کرد .

چهار سال بعد فروبل در نظر گرفت سازمانهای دیگری وابسته بمؤسسه اولیاء در کیلمو تشکیل دهد یکی از دوستانش قصری در وارتنسی (۱) بوی واگذار کرد . فروبل کیلمو را به باروپ ولاینک تال واگذار کرد و خود درسویس اقامت نمود . در اینجا روحانیون مانع پیشرفت کار او شدند و با افکار و طرزکار او روی موافق نشان ندادند . حتی پس از اینکه مؤسسه فرهنگی خود را در ۱۸۳۳ بنقطه دیگری در همان ناحیه بنام ویلیسو (۲) منقل کرد باز هم کار او رونقی نگرفت . میدندروف بدستور فروبل بسویس رفت و ناچار شد بخاطر وظیفه فرهنگی خانواده خود را ترك کرده چهار سال موفق بدیدن آنها نشود ولی هرچه کوشش کردند نتیجه محسوس از کار ایشان در پیشرفت این مؤسسه فرهنگی عاید نشد و این مؤسسه هیچوقت رونق پیدا نکرد . دولت سویس بفکرافتاد از این مری بزرگ نهایت استفاده ممکنه را بکنند برای اینکار نقشه ای طرح شد که بموجب آن مدیران و آموزگاران دبستانهای سویس نزد فروبل بروند و از نظریات او درباره روشن نوین استفاده نمایند . فروبل به بورگ درف (۳) رفت . این محل سی سال پیش بواسطه کارهای پستالتزی شهرت بسزائی پیدا کرده بود . فروبل در اینجا بنظارت آموزشگاه یتیمان پرداخت

و ضمناً دورهٔ تعلیمات سه ماهه‌ای برای مدیران آموزشگاه‌ها تشکیل داد تا ایشان را با روش نوین آشنا نماید. مریبان و آموزگاران برای استفاده از درس این استاد سه ماه به بورگدرف می‌رفتند و از محضر استادانی مانند فروبل و بیروس (۱) استفاده می‌کردند. ضمن سخنرانی‌هایی که فروبل برای آموزگاران کرد و در نتیجه تماس با ایشان متوجه این نکته اساسی شد که کودکان قبل از اینکه وارد دبستانها شوند بواسطه نا مساعد بودن محیط اولیه پرورش غالباً استعدادهايشان تا اندازه‌ای ضایع و تباه شده و پایه تربیت ایشان بطور غلط گذاشته شده است. با اینکه قبل از کتاب معروف خود بنام آموزش و پرورش انسانی در سال ۱۸۲۶ نظریه‌های مهمی درباره تربیت کودکان نوشته بود معذک در این موقع که در بورگدرف بود در اثر تجربه‌ای که پیدا کرده بود بیشتر فکر و توجهش درباره این موضوع مهم و اساسی بود و غالباً در این اندیشه بود که برای کودکان محل مناسب و شایسته‌ای که جای محیط نامناسب پیش از دبستان را بگیرد فراهم نماید. و چون میدید کودکان بازی زیاد علاقه‌مندند و يك قسمت مهم از فعالیت ایشان همین بازی و حرکت است ب فکر این افتاد که اصول پرورش ایشان را در ضمن بازی و حرکت تأمین نماید. و منظور و نقشه خود را با در نظر گرفتن يك رشته بازیهای مطلوب طرح ریزی کند. با این ترتیب فروبل میدید بدون تهیه این محیط مساعد تربیت کودکان در مرحله دبستان غالباً نتیجه مطلوب را ندیدهد و معتقد شده بود بایستی کودک پیش از ورود بدبستان در يك محیط مناسب پرورشی مورد نظر و توجه و پرورش قرار گیرد تا از مراحل دیگر تعلیم و تربیت بنحو مطلوب بتواند استفاده نماید. در این موقع زنبق کسالت پیدا کرد و ناچار شد پیش از اینکه با اصطلاح بمقام و اینسیرناتر (۲) یعنی پدر تیمان برسد به برلین باز گردد. در آنجا بر اثر گرفتاریهای خانوادگی ناچار شد چند ماهی توقف نماید. در این موقع از فرصت استفاده کرد و در آنجا از آموزشگاه کودکان

که تازگی گشایش یافته بود باز دید کرد و نظرهایی برای بهبود و اصلاح و پیشرفت آن بهمتصدیان مربوطه داد. پس از آن به کیلپو رفت و در آنجا برای تحقق نظر اساسی خود در سال ۱۸۳۷ در نزدیکی بلانکنبورگ (۱) اولین کودکستان را بنام کیندرگارتن (۲) یا باغ کودکان تاسیس نمود. فروبل از نام باغ کودکان خیلی لذت میبرد و این نام را انتخاب کرد تا بهتر نظر او را معرفی کند و مردم بدانند کودکستان محل درس و تعلیم جدی نیست بلکه صرفاً محیط مساعدی است برای پرورش و پایه گذاری خصال نیکو از راه بازیهای مطلوب. فروبل نظریه خود را درباره کودکستان در روزنامه هفتگی محلی بنام سنتاگز بلات (۳) که از ۱۸۳۷ تا ۱۸۴۰ منتشر شد درج کرد. علاوه بر این برای آموزگاران جوان در بلانکنبورگ سخنرانیهایی در این زمینه ایراد کرد.

با اینکه کودکستان بعنوان يك واحد مهم فرهنگی روز بروز طرفدار پیدا میکرد معذک نخبسین کودکستان بواسطه اشکالات مالی نتوانست آنطور که لازم بود پیشرفت نماید. فروبل که زنش را در سال ۱۸۳۹ از دست داده بود نخست در کیلپو و بعد چهار سال آخر عمرش را در لیبنشتاین (۴) با ایراد سخنرانیهایی برای آموزگاران پرداخت. در سال ۱۸۴۹ فروبل مورد توجه يك بانوی روشن فکری بنام بارونس فن مارنهایس بولو (۵) قرار گرفت. این بانوی فرهنگ دوست چنان شیفته این استاد پرورش کودکان شد که تصمیم گرفت شرح حال او را بنحو زنده و موثری بنویسد و شخصیت بارز او را نقاشی نماید. آنچه ما امروز از شرح حال فروبل میدانیم با استفاده از همین بیوگرافی است.

فروبل در سالهای آخر عمر خود میخواست زندگی آرامی داشته باشد. برای تربیت کودکان اخلاق روحیه زنان را مناسبتر از مردان تشخیص داد و از این

جهت تربیت زنان جوان برای آموزگاری پرداخت . پس از اینکه مدتی مجرد میزیست دوباره ازدواج کرد . در همین مواقع يك پیش آمدی برای این دانشمند بزرگ روی داد که جرگه تصور آنرا هم نمیکرد .

میدندرف دوست فروبل کودکستان را به پارلمان آلمان معرفی کرد و فروبل امیدوار بود بتواند به مؤسسه فرهنگی خود رسمیتی بدهد ولی در این موقع برای دولت آلمان سوء تفاهمی پیش آمد . برادر زاده فروبل بنام کارل فروبل کتابی انتشار داد که مظنون بظرفداری و تبلیغ سوسیالیزم بود . با اینکه اساساً بین طرز فکر و عقیده کارل فروبل و فردریک اختلاف فاحشی وجود داشت معذک اشترک نام خانوادگی این دو فردریک فروبل را نیز بد نام کرد و مردم باشتباه کارل و فردریک را هم عقیده و هم مسلک تصور کردند . چون کارل مورد بدگمانی دولت واقع شده بود فردریک نیز از طرف دولت دچار زحمت شد . در سال ۱۸۵۱ وزیر فرهنگ آلمان بنام رومر (۱) فرمانی درپروس صادر کرد و آموزشگاههای فردریک و کارل را غیر قانونی اعلام کرد . کنگره مدیران آموزشگاهها که فردریک فروبل را کاملاً از اتهام وارده بری میدانستند بسیار کوشش کردند که رفع سوء تفاهم از دولت وقت بکنند ولی توفیق پیدا نکردند و کسی گوش شنوا نداشت و فرمان تا ده سال بعد از مرگ فردریک فروبل یعنی تا سال ۱۸۶۲ بقوت خود باقیماند . مثل اینکه هنوز جامعه آماده نبود تا از تعلیمات و نظریات این دانشمند انسان دوست درباره تربیت جدید استفاده نماید . در هر حال فروبل که انتظار حق شناسی از مردم داشت با چنین وضعی روبرو شد و سخت از مردم متأثر شد و پس از برپا کردن جشن هفتادمین سال تولد خود در ماه می ۱۸۵۲ یکماه بعد از دنیا رفت و او را در شونیا (۲) که دهکده ایست در نزدیکی مارینتال (۳) او را بخاک سپردند .

هر گنفر و بل موجب تاثر شدید تمام دوستان او و علاقمندان به پرورش نوین شد. مثل اینکه او نمیخواست بیش از این حق کشی و بیدادگری مردم زمانه را به بیند و بازیهای چرخ بازیگر را تماشا کند.

فروبل از پیشوایان فن آموزش و پرورش است. وی بوحسب وجود عقیده دارد. در عالم نظامی می بیند و همه را مظهر يك قدرت و يك اراده میدانند. بعقیده او همه چیز از خدا و در همه جا خدا حاضر است. از گفته های اوست که میگوید: «در تمام موجودات این عالم يك نور حیات دیده میشود زیرا بهمه يك خدا هستی بخشیده است». در کتاب آموزش و پرورش انسانی میگوید هدف پرورش باید این باشد که شخص را بصفای درونی و تصفیه ذاتی راهنمایی کند، اطلاعاتی راجع خود او و آدمیت بشخصی بدهد و او را با خدا و طبیعت آشنا کند و بطرف زندگی بی آلایش و مقدسی که این جور دانشها اقتضا میکنند رهبری نماید. برای رسیدن باین هدف عالی فروبل نظریه تکامل (۱) را پیشنهاد میکند. حالا باید دید فروبل از نظریه تکامل منظور چیست.

منظور فروبل از تکامل افزایش کمیت و اندازه نیست (با اینکه ممکن است شامل اینهم باشد) بلکه افزایش هم پیوستگی و ترکیب وجود است. چیز را کامل گوئیم که تشکیلات داخلی آن از هر قسمت کامل باشد و بعلاوه بتواند کارها و اعمال طبیعی خود را کاملا انجام دهد. اگر این خصوصیت را در مورد مغز آدمی تعبیر کنیم، برای اینکه ذهن ما بمیزان تکامل خود برسد لازم است از لحاظ نیرو و مهارت بتواند با مباحث علوم آشنا شود و هر علم را در جای طبیعی و مناسب خود بکار برد.

چطور میشود باین تکامل دست یافت؟ بعقیده فروبل از طریق دقت در آثار خلقت، تکامل بر اثر ورزش و تکرار و بکار انداختن استعداد حاصل میشود. این

تعریف نه تنها شامل فرد میشود بلکه در جماعات و نژادها نیز صادق است. هر خصوصیت نژادی که استعمال و عمل پیدا نکند کم کم ضعیف شده و روزی از بین خواهد رفت. هر چیز برای رسیدن به تکامل نخست يك استعداد ذاتی لازم دارد که بدون آن تکامل صورت نخواهد گرفت و سپس نیازمند تمرین و تکرار است تا بر اثر ورزیدگی مراحل تکامل را طی کند. آموزش و پرورش صحیح این محیط مناسب را اختیار افراد در قرار دهد. هر کار و عملی نمیتواند ما را به مرحله تکامل برساند. تکامل در سه هنگامی دست خواهد داد که در بکار بردن قوا بین استعدادهای شخص و نوع تمرین و عمل هم آهنگی وجود داشته باشد و اگر اینطور نباشد ممکن است نتیجه معکوس بدهد. يك نکته دیگر نیز هست که شایان دقت است و آن اینست که هر کار و عمل و فعالیت باید از خود و مربوط با استعداد خود شخص باشد. هر استعدادی که پرورش آن هدف آموزش و پرورش است باید نخست در وجود شخص بیدار شود و سپس با تمرین و ممارست قوی و کامل شود. فروبل در کتاب «آموزش و پرورش انسانی» فعالیت را که برای تکامل لازم است فعالیت شخصی نامیده است.

معمولا ما برای ذهن سه جور فعالیت قائل هستیم. فعالیت ادراکی - حسی و ارادی برای تکامل ذهن کار و عمل باید هم آهنگ این سه فعالیت ذهن باشد. بدیهی است هر چه قدر ذهن برای این جور عمل از خود فعالیت نشان دهد میزان تکامل آن بیشتر خواهد شد. از این جهت است که در پرورش نوین کارهای فکری تا کید میشود هر فرد انسانی بایستی تکامل را از درون خود بخواهد و فعالیت شخصی خود را هم آهنگ با قانون ابدی طبیعت بکند.

یگانه هدف در هر نوع آموزش و پرورش همین است و چیز دیگری نمیتواند باشد (نقل از کتاب آموزش و پرورش انسانی). هر امری از جانب خدا و با مشیت او تنظیم شده است. عنصر الهی که در هر چیزی هست حقیقت آنرا تشکیل میدهد (۱)

مشی و روش تکامل اینستکه آن حقیقت درونی کامل بشود تا اینکه خدا در این اشکال گذران تجلی کند. هر کودکی باید بوسیله فکر کردن آن «مفهوم واقعی» را بمرحله کمال برساند.

اما چطور میشود کودک را پرورش داد تا بمرحله کمال برساند؟
چگونگی این پرورش را از تامل در کارهای خدا که آثار و مظاهر طبیعت است میتوان بدست آورد. در چگونگی خلقت، در نظام اسرار آمیز طبیعت، در ذات کائنات و حکمت ارتقاء و پیشرفت و تکامل انسان خدا نوع (۱) آموزش و پرورش را نشان داده است.

فروبل در کتاب آموزش و پرورش انسانی میگوید وظیفه مربی اینستکه هر چه ممکن است استعدادهاى نهفته دانش آموز را بیدار و تقویت کند و از خود او کمک بخواهد نه اینکه سعی کند با او بدهد و در مغز او فرو کند.
با این رویه ایکه فروبل در آموزش و پرورش اتخاذ میکند. «عمل» مقام بزرگی در فلسفه و تعلیم احراز میکند. آموزش و پرورش باید از عمل آغاز و با عمل پیش برود.

پیش از فروبل متفکرین دیگر نیز با اهمیت «عمل» اشاره کرده اند و لسی تازگی فکر فروبل در این است که او نه تنها همه چیز را متکی و مربوط بعمل میداند بلکه جنبه الهی آنرا نیز در نظر داشته معتقد است بخدا نیز وابسته است. معتقد است که یکی از صفات ذات پروردگار صفت خلاقه او است. خدا خلق میکند و مدام عمل خلقت در کار است (نقل از کتاب آموزش و پرورش انسانی) چون خدا انسانرا بصورت خود آفریده است. ما هم باید مانند خدا «عمل» کنیم هر کس که بخواهد بوجود خداوند متعال پی ببرد باید «کار» کند. اما کار خوب. رابطین خالق و مخلوق فقط اعمال نیک است و این باید هدف همیشگی هر نوع آموزش و

پرورش باشد .

در جای دیگر میگوید با سعی و عمل و کوشش ما بصورت خدا در میآئیم . افکار ما وجود خارجی بخود میگیرد و بدینوسیله معرفت بیشتری بخدا پیدا میکنیم از درون و برون خدا بما نزدیک میشود . قلب کودکان از پاکی و صفا عرش خدا است و با همان صفا و پاکی کودکانه بدون اینکه با اعمال زشت بزرگتران خود آلوده شده باشند تسلیم عزیزه خلاقه خود میشوند (آموزش و پرورش انسانی) .

فروبل نخستین کسی است که « غریزه خلاقه » بچه را که در هر طفلی از هر ملیت و مربوط بهر دوره ای که باشد وجود دارد مورد استفاده پرورش قرار داده است . میگوید « کودکان بر اثر غریزه خلاقه علاقه مند بدست زدن . جابجا کردن اشیاء هستند . هر چیز دردسترس ایشان قرار گیرد مورد آزمایش قرار میگیرد آنرا بدست میگیرند - سعی میکنند بر دارند - و مورد تماس قرار دهند - کسانی که از غریزه خلاقه کودک و فن آموزش و پرورش بی اطلاع هستند این عمل کودکان را باصطلاح بفضولی و شیطانی کردن کودک تعبیر میکنند . »

فروبل معتقد است که اگر از « غریزه خلاقه » کودکان درست استفاده شود و مورد توجه و پرورش آموزگاران متخصص و شایسته قرار گیرد میشود امیدوار بود که کودکان ساختن و ابتکار بسیاری از چیزها را فرا گیرند . همینکه کودک دید خود در ساختن چیزهایی بدست خود توفیق حاصل کرده و در جلوی خود اشیائی دید که نتیجه فکر و زحمت و کار دستی او است . بی اندازه شادمان میشود اینکار علاوه بر اینکه غریزه خلاقه کودک را بکار میانندازد موجب تقویت استعدادهای مختلف او نیز شده او را بمرحله تکامل که هدف آموزش و پرورش نوین است نزدیک میسازد . مکتبیکه فروبل باین ترتیب در آموزش و پرورش بوجود آورد و مخصوصاً اهمیتیکه بکار عمل شخصی در امر تربیت کودک میدهد تغییرات فاحشی در آموزش و پرورش کودکان بوجود آورده که حائز کمال اهمیت است . توجه فروبل بیشتر بکودکان است . معتقد است که کودک سازنده و ایجاد

کننده خلق میشود و با ساختن و ایجاد کردن رو بتکامل میرود.

در هر مرحله‌ای تکامل هست مشروط باینکه تکامل مرحله پائین‌تر انجام شده باشد اگر تکاملی که دوره کودکی اقتضا میکند درست انجام شده باشد، کودک برای طی تکامل دوره جوانی آماده خواهد بود. از اینجهت پرورش کودکان بیش از آنچه تا آن زمان تصور میکردند مورد توجه قرار گرفت. خود فرویل گیندرگارتن یا باغ کودکان را بهمین منظور تأسیس کرد.

فرویل نیز مانند پستالتزی به پرورش مادران فونق‌العاده اهمیت میدهد ولی مانند او پرورش کودک را تماماً بدست مادر واگذار نمیکند. کودک نیازمند پرورش خاصی است که حتی بهترین مادران در بهترین خانواده‌ها از عهده انجام آن برنمیایند پستالتزی تصور میکرد که کودک متعلق و وابسته بفامیل است. فیکته دانشمند آلمانی معتقد است که کودک بجامعه تعلق دارد. ولی فرویل رویه بینابین را اختیار کرده و میگوید هم بخانواده و هم بجامعه وابسته است. برای اینکه کودک برای جامعه مهیا و آماده شود لازم است در یک محیط اجتماعی و با سرگرمیهای دست جمعی که درست و صحیح در نظر گرفته شده باشند پرورش یابد.

از بررسی که فرویل در حالات کودکان بعمل آورد باین نتیجه رسید که مهمترین خصوصیت ایشان «نا آرام» بودن آنها است. نا آرامی جسمی و نا آرامی فکری. کودکان بسیار کنجکاو هستند. و هرچه را بیابند میخواهند دست بزنند و آزمایش کنند. بویژه فرویل این نکته را دریافت که کودک دوست دارد دستهای خود را بکار اندازد شکل اشیائی که در دسترس او قرار میگیرد تغییر دهد و بصورت دیگری در آورد. همچنین علاقمند است باینکه آنچه دیده و میشناسد مورد تقلید قرار دهد و آنرا نقاشی کند. شکل آنرا از موم یا مواد نرم دیگری بسازد. علاوه بر این فعالیتها مشاهده کرد که کودکان فطرتاً اجتماعی هستند و احتیاج بمحیط اجتماعی دارند همچنین در کودکان حس اخلاقی - میل - عواطف و وجدان وجود دارد که اگر محیط مناسب پیدا کنند بنحو مطلوب پرورش یافته خوی خود پرستی و خود خواهی ایشان رام میشود.

از آنجائیکه هر نوع پرورش باید متکی بفعالیت شخصی باشد. فروبل متوجه این نکته شد که کودکان باید در محیط مخصوص بخود بکار پردازند تا رعایت این اصل مهم در پرورش بشود. کار کودک بازی است. فروبل بامونیتی (۱) در این قسمت هم عقیده است که جدی ترین سرگرمی کودک بازی است. و بالاک (۲) در اینجا هم عقیده است که هدف بازی باید تشکیل بازیهای مفید و خوب باشد و اگر غیر از این باشد عادات بدی بار خواهد داد که از هدف پرورش دور است (آموزش و پرورش انسانی). برای انجام این منظور فروبل يك رشته سرگرمیهای برای کودکان ترتیب داد که قسمت بیشتر آنها بازیهای اجتماعی تشکیل میداد. فروبل بهر يك از اسباب بازیها نامی از استعدادهای (۳) انسان را داد. این استعدادها فقط اسباب بازی تنها نیستند بلکه مواد و مصالحی هستند که با آنها کودکان «میسازند» و سرگرم میشوند و بدینوسیله حس اختراع، ایجاد و عمل در ایشان تقویت پیدا میکند.

پرورش ذوق و استعداد موسیقی کودکان نیز در پرورش نوین مورد توجه قرار گرفت. حس درك آهنگ صدا و حرکت باید با موسیقی پرورش پیدا کند. سرود و شعر نیز در بازیها توصیه شده پرورش حواس بویژه حس بینائی - شنوائی و لامسه خیلی مورد توجه قرار گرفت. شهودیکه (۴) از آن درپیش هم نام بردیم پایه درست و اساسی معرفت تشخیص داده شد، قصه و حکایت نیز برای پرورش قوه تصور و خیال کودکان جزء برنامه قرار گرفت. منظور از این قسمت این نیست که آنطور که پیشینیان تصور میکردند تنها بکودکان چیز یاد داده شود بلکه منظور جلب توجه ایشان بنکات اخلاقی و اجتماعی است و اگر اصول روانشناسی کودک بکار برده شود علاقه و دقت ایشان جلب شده در راه تکامل که هدف پرورش نوین است خواهند افتاد.

فروبل مانند پستالوتزی رویه ای را در پرورش کودکان اتخاذ کرده است که در

1 - Mantaign

2 - Lock

3 - Gifts

4 - Anchaung

دویست سال پیش فرانسیس بیکنس (۱) فیلسوف و دانشمند انگلیس را فلاسفه پیشنهاد کرد. بیکن میگفت برای درک حقیقت آنچه سایرین گفته‌اند برای فلاسفه و طالبین حقیقت راهی نیست که بکامیابی ایشان برسد. این اشخاص خود باید مستقیماً به مطالعه آثار طبیعت و آنچه قدما دانشهای خود را از آن گرفته‌اند بپردازند. در پرورش نوین فروبل توصیه میکند که بکودکان نباید یاد داد بلکه باید خود ایشان یاد بگیرند. اما چطور؟ در ضمن کار و عمل و استفاده از محیطی که بر طبق اصول پرورش نوین ایجاد شده.

پیش از فروبل آموزشگاه برای کودکان وجود داشته اما کارها و برنامه آن بیشتر برای مادران و بمیل ایشان بود تا کودکان. مثلاً ابراین (۲) در حدود صد و پنجاه سال پیش چنین آموزشگاهی در وزج (۳) تاسیس کرد و رهبر کودکان در این آموزشگاه دو تن زن دهاتی بنام سارا بازت (۴) و لوئیز شپلر بودند (۵).

در اوائل قرن بیستم جمیز بوچانان (۶) و ساموئل ویلدرسپین (۷) کودکان را در انگلیس و کچین (۸) آنرا در فرانسه معرفی کردند. با اینکه منظور فروبل از تاسیس کودکان بیشتر پرورشی و کمتر آموزشی بود معذک در انگلستان آنرا آموزشگاه کودکان (۹) نام نهادند. فروبل این بنگاه نوین را باغ کودکان نامید زیرا در آنجا کار کودکان بیشتر بازی است. هر سرگرمیکه کودکان را بخود مشغول کند و ایشان را سر نشاط بیاورد برای آنها صورت بازی خواهد داشت.

فروبل هدف کودکان را چنین تعریف کرده است. کودکان باید کودکان را چنان بکار وادارد که طبیعت و خلقت ایشان اقتضا میکند. موجبات رشد و تقویت قوای بدنی ایشان را فراهم کند، فکر و حواس ایشان را بکار بیندازد و با

1- Francis Bacon

2- Oberlin

3- Vosges

4- Sara Banret

5- Louise Scheppler

6- Buchanan

7- Samuel Wilderspin

8- J.M.D. Cochin

9- Infant School

بكار بردن حواس ايشان آنها را با محيط و اطرافيان خود آشنا و مانوس كند .
 بويژه لازم است قلب و عواطف آنها را درست پيرو راند و بحقائق زندگي رهبري نمايد:
 پس از فرانسه و انگلستان كسورهاي ديگر نيز نظر فروبل را در لزوم كود كستان
 پسنديد . باقتباس فكر و تاسيس كود كستان اقدام كردند تا آنجا كه امروز در كمتري
 كسوري است كه نمونه هاي متعدد كود كستان ديده نشود .

چون فهم نظريه فروبل و در پرورش كودك بويژه در قسمت « استعدادها »
 چندان آسان نيست . بيشتر مديران كود كستانها از منظور فروبل بيخبر بوده و
 كود كستان را در حكم آموزشگاه معمولي در آورده اند كه كارهاي آن بيشتر ماشيني
 است و تربيت صحيح كودك در آن مهمل گذاشته ميشود . بيشتر كسانيكه در كار
 كود كستانها بررسي كرده اند اين اشتباه بزرگ را گوشزد كرده اند از جمله دكتور
 جميز وارد در مجله اولياء چاپ ۱۸۹۰ منتشره در انگلستان باين قسمت اشاره
 كرده است .

براي اينكه اصول « پرورش نوين » خوب روشن شود خصوصيات برجسته زيرا
 ياد آور ميشويم :

- ۱- ارزش هر گونه آموزش و پرورش در اين استكه موجب ازدياد « نيرو »
 بشود و نيرو هم در اثر فعاليت شخصي موجبات تكامل خود را فراهم ميكند .
- ۲- ارزش حافظه در پرورش نوين اين استكه بكار استعدادهاي عاليه ذهن
 بخورد و پرورش آن بتنهائي غايت و هدف پرورش نيست .
- ۳- آموزش و پرورش بايد متناسب و منطبق با استعداد و علاقه كودك باشد
- ۴- بيشتر اوقات بايد حرف طبيعيات و زبانهاي جديد شود .
- ۵- همان اندازه كه به پرورش روان توجه ميشود ، پرورش و تقويت ذهن
 نيز بايد مورد توجه قرار گيرد .
- ۶- همان اندازه كه آموزش و پرورش عالي براي پسران فراهم شده است

برای دختران نیز باید فراهم شود .

۷ - تمام طبقات از فقیر و غنی باید بتوانند از نعمت آموزش و پرورش

بهره‌مند شوند .

۸ - همانطور که يك نفر پزشك برای كسب اجازه اشتغال به پزشکی باید

دوره مخصوصی را طی کند و تعلیمات ویژه‌ای را ببیند ، آموزگاران و دبیران نیز

برای اشتغال بکار مشکل و بسیار مهم تربیت جوانان باید دوره مخصوصی را طی کرده

بنحو شایسته وارد خدمت پر مسئولیت خود بشوند .

۹ - تمام روشهای آموزشی باید بدون استثناء متکی با اصول علمی و روانشناسی

باشد .

بهر نوع آموزش و پرورشیکه اصول نه‌گانه بالا در آن رعایت بشود میتوان

نام « آموزش و پرورش نوین » را اطلاق کرد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



در نوشتن این مقاله از مراجع ذیل استفاده شده است :

1- Essays on Educational Reformers by Robert Herbert Quick London : Longmans ' Green' and Co .

2- Ency -clopaedia Britanica